یادداشت

با خودزنی فرصت گردشگری نوروزی را نسوزانیم

سید علی معین زاده

گروه جامعه ـ حالا که خارجی‌ها فعلا بی‌خیال سفر به ایران شده‌اند، فعالان و متولیان حوزه‌ی گردشگری، نگاه خود را به بازار گردشگری داخلی دوخته‌اند. نوروز و فصل سفرهای نوروزی در راه است. اگر کرمان بتواند از این بازار سهم خود را بردارد، چراغ گردشگری استان همچنان روشن می‌ماند. در این شرایط، اگرچه برخی نومیدانه از گردشگری نوروزی سخن به میان می‌آورند اما سیدعلی معین‌زاده، از فعالان باسابقه‌ی صنعت هتل‌داری و گردشگری استان کرمان، در یادداشتی از همه‌ی مردم خواسته تا امیدوار بمانند و برای معرفی کرمان و دعوت از گردشگران ایرانی به استان از هیچ کوششی دریغ نکنند. متن این یادداشت را در ادامه می‌خوانید:

«شهروندان عزیز کرمانی، بزرگواران و عزیزان، همکاران و دوست‌داران صنعت گردشگری استان زرخیز کرمان، شما اربابان رسانه‌های جمعی لطفا نگذارید این خودزنی و این شایعات مبنی بر بی‌مسافری و نبود گردشگر در ایام تعطیلات نوروزی دامنگیر استان شود! اگر برخی مدیران استان، براساس وظیفه‌ی قانونی خود، دغدغه‌های فراهم کردن امکانات و تجهیزات برای استقبال از مهمانان و گردشگران نوروزی را دارند و گاهی در جلسات رسمی و براساس و متاثر از حوادث ملی و بین‌المللی پیش‌بینی‌هایی می‌کنند، نباید باعث یاس و نا امیدی شود. لذا بیایید با توجه به غم بزرگی که در دل داریم و نگرانی‌های بسیاری که با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم دست در دست یکدیگر و با یاری خداوند متعال با هیجان و شادابی و امیدوارانه آن سنت دیرینه و ارزشمند مهمان‌نوازی را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده و با هر روشی و با استفاده از کلیه‌ی ابزارهای تبلیغاتی برای جذب گردشگران ایرانی به استان اقدام کنیم. در این برهه بهترین راه محیط و گروه‌های مجازی است؛ هرچند وظیفه‌ی ذاتی هتل‌داران و مراکز اقامتی و پذیرایی، شرکت‌ها و دفاتر خدمات مسافرتی، تورگردانان و راهنماهای تور و تمامی رسانه‌های تصویری و صوتی و نوشتاری، تبلیغ و جذب گردشگر است امّا به یقین تک‌تک شهروندان عزیز استان، یار و یاور خواهند بود و همه خواهیم گفت آنچه در دل داریم از استان کریمان و مهمان‌نوازی مردم عزیز این خطه، از هوای مطبوع استان و بوی بهار نارنج جیرفت و بم و شهداد، از کویر و کلوت‌های زیبا، از جنگل خبر و کوشاه و سرطشتک، از باغ شاهزاده و آستانه‌ی شاه نعمت‌الله، از میمند و شهربابک و خانه‌ها ی دستکند، از خانه حاج‌آقا علی رفسنجان تا کاروانسرای وکیل کرمان، از ارگ بم و ارگ زیبای راین، از منطقه حاصلخیز راور، از گلیم سیرجان، از کلمپه و قوتو و کماج سهن، از روستاهای زیبا و خانه‌های بوم‌گردی تا قلعه‌گنج، از آبگوشت متنجنه و دمپختک و قاتق مرزن جوش، از چلو قورمه زرند و ترخون گلباف، از مسقطی سیرجان تا سوهان زرند، از انجیر و مویز سیرچ تا گردو و مسکه بافت، از موزه صنعتی و موزه هرندی و یخدان مویدی تا کتابخانه ملی، از برج نگار و بردسیر، از خرمای مضافتی بم، از کوهپایه تا آبشار راین، از زیره و کتیرا و حنا و سفیداب، قلعه‌دختر و آتشکده اناهیتا و قلعه اردشیر تا موزه مردم‌شناسی و آتشکده زرتشتیان، از باغ فتح‌آباد و مشتاقیه تا مسجد ملک و مسجد جامع و مدرسه ابراهیم‌خان، از قالی و پته، از جوبار و امامزاده حسین، از تخت دریا قلی‌بیگ، از آن طولانی‌ترین راسته بازار ایران یعنی بازار وکیل، از پسته رفسنجان و زرند، از گنبد جبلیه تا مجموعه گنجعلیخان، و در نهایت با فریاد خواهیم گفت از مسجد صاحب‌الزمان و گلزار شهدا تا ارامگاه آن سرباز و آن سردار شهید اسلام، ایران و جهان. و من‌الله توفیق»

خبر

کارت یا حساب بانکی خود را اجاره ندهید

گروه جامعه – رئیس پلیس فتا استان کرمان با اشاره به مشکلات و خطرات ناشی از اجاره دادن کارت بانکی، شماره حساب و درگاه‌های بانکی از سوی مجرمان سایبری به شهروندان هشدار داد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان کرمان، سرهنگ امین یادگارنژاد گفت: «شهروندان نباید به هیچ عنوان کارت بانکی، شماره حساب و یا درگاه بانکی خود را به دیگران اجاره دهند».

وی توضیح داد: «اخیرا برخی افراد در مواجهه با آگهی کاریابی در فضای مجازی با عنوان «با اجاره دادن کارت بانکی خود، ماهیانه ۲۰ میلیون ریال دریافت نمایید»؛ حساب‌های بانکی خود را در ازای دریافت مبلغی معین به صورت ماهیانه و بدون توجه به عواقب آن در اختیار فرد آگهی‌دهنده قرار می‌دهند». رئیس پلیس فتا استان کرمان افزود: «با توجه به این‌که ارتباط بین فرد آگهی‌دهنده و قربانی در فضای مجازی بوده و هیچ نشانی از کلاهبردار وجود ندارد، لذا تمامی عواقب و جرم‌های انجام شده با حساب‌های اجاره‌ای متوجه صاحب حساب می‌باشد از این‌رو به شهروندان توصیه می‌شود به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی، پیشنهاد اجاره‌ی حساب یا کارت بانکی را با هیچ مبلغی نپذیرند تا از عواقب جدی ناشی از فعالیت‌های خلاف قانونی که از طریق حساب‌ها یا کارت‌های بانکی اجاره‌ای انجام می‌شود در امان باشند».

پیروزی بانوان فوتبالیست کرمان برابر اصفهان

گروه جامعه - مصاف تیم‌های فوتبال بانوان کرمانی با سپاهان و ذوب‌آهن اصفهان در لیگ برتر با شکست اصفهانی‌ها به پایان رسید. به گزارش تسنیم، هفته‌ی شانزدهم لیگ برتر فوتبال بانوان با شکست تیم‌های سپاهان و ذوب‌آهن برابر تیم‌های شهرداری بم و شهرداری سیرجان به پایان رسید. تیم فوتبال بانوان سپاهان که مهمان شهرداری سیرجان بود با نتیجه سه بر یک شکست خورد تا شهرداری سیرجان رده‌ی سوم جدول را از سپاهانی‌ها پس بگیرد. دو گل شهرداری سیرجان را زهرا علیزاده وارد دروازه‌ی سپاهان کرد و افسانه چترنور نیز برای سیرجانی‌ها گل‌زنی کرد. تک گل سپاهان هم با اشتباه بازیکن شهرداری سیرجان و گل به خودی او به دست آمد. ذوب‌آهن نیز که در اصفهان میزبان تیم صدرنشین شهرداری بم بود با نتیجه‌ی چهار بر یک مغلوب این تیم شد تا شهرداری بم همچنان تنها تیم بدون شکست لیگ امسال باشد. در دیگر دیدار مهم هفته‌ی شانزدهم لیگ برتر فوتبال بانوان، تیم رده دومی وچان کردستان موفق به شکست هفت بر صفر آویسا خوزستان شد. در پایان هفته‌ی شانزدهم لیگ برتر فوتبال بانوان، شهرداری بم با ۴۸ امتیاز همچنان صدرنشین است، وچان کردستان با ۴۵ امتیاز در رده‌ی دوم قرار دارد و شهرداری سیرجان نیز با ۳۵ امتیاز به رده‌ی سوم بازگشت.

گفت‌وگوی استقامت با مظفر طاهری عکاس‌باشی؛

عکاسی از رویدادهای انقلاب را جدی گرفتم

تا ۲۰ سال بعد از انقلاب هیچ‌کس از عکس‌های من خبری نداشت!

محمد لطیف کار

مظفر طاهری در حوزه‌ی عکاسی هنرمند شناخته شده‌ای است، و نیاز به معرفی ندارد. وقتی خواستم خلاصه‌ای ازرزومه‌ی او را این‌جا بیاورم دیدم سه صفحه می‌شود! در کرمان او را با عنوان عکاس‌باشی می‌شناسند. سال‌ها در دانشگاه شهیدباهنر کرمان عکاسی تدریس کرده است و حالاهم در دانشگاه بین‌المللی قزوین تدریس می‌کند. پیش از این در استقامت چندبار با او مصاحبه کرده‌ایم. آخرین بار سال گذشته بعد از رونمایی از کتاب ارزشمند مجموعه عکس ناموران کرمان، باا و مصاحبه داشتم. موسسه فرهنگی مفرغ نیز در آبان‌ماه ۹۶ یکی از شب‌های تقدیر از اهل فرهنگ و هنر خود را به ایشان اختصاص داد که گزارش آن را همان موقع منتشر کردیم.

عکاس‌باشی اما این‌بار در این گفت‌وگو به وجه تازه‌ای از کارهایش اشاره می‌کند که برغم اهمیت آن، تا کنون کمتر در باره‌ی آن صحبتی شده است. او اولین تجربه‌های عکاسی‌اش با رویدادهای انقلاب در کرمان آغاز کرده و هم‌اکنون گنجینه‌ای منحصر به فرد از تصاویر آن روزهای تاریخی را در اختیار دارد که البته قدر و منزلت آن، هنوز دانسته نشده است، همین هم اسباب دل‌خوری و گلایه‌ی این هنرمند هم شده است. این گفت‌وگو را به مناسبت ایام دهه‌ی فجر که سالگرد این تجربه‌ها و رویداد تاریخی است با او انجام دادم. صحبت‌های مظفر طاهری خواندنی است.

آقای طاهری لطفا بفرمائید از چه زمانی عکاسی را به صورت جدی و حرفه‌ای دنبال می‌کنید و سرچشمه‌ی این علاقه‌مندی کجاست؟

من عکاسی را از سال ۵۴ شروع کردم ولی به صورت آماتور از سال ۵۶ دوران دانشجویی و با کمک هزینه‌ی آن که ماهی ۳۰۰ تومان بود، با خریدن یک عدد دوربین روسی فد۳ و یک عدد اگراندیسور روسی و وسایل آن و راه انداختن تاریکخانه در حمام منزلمان شروع کردم.

سرچشمه علاقه مندی را خودم هم نمیدانم، ولی در آن زمان عشق عکس بودم، و با توجه به این‌که در کرمان جایی را نمی‌شناختم که به صورت حرفه‌ای آموزش بدهند از طریق کتاب‌های عکاسی که از کتابخانه‌ی دکتر میمندی‌نژاد به امانت می‌گرفتم به شکل خودآموخته عکاسی را فرا گرفتم، و می‌توانم بگویم فعالیت عکاسی من به صورت جدی از دوران انقلاب شروع می‌شود و به صورت حرفه‌ای، به معنای درآمدزا بودن از خرداد سال ۵۸ بود که با تخلص عکاس‌باشی و وابسته به روزنامه اطلاعات کار حرفه‌ای‌ام را شروع کردم.

در رابطه با سرچشمه‌ی علاقه‌مندی‌ام به عکاسی اگرچه گفتم خودم هم نمی‌دانم، اما منظورم این است که چون موارد متعددی باعث علاقه‌مندی من شده، نمی‌دانم کدامیک را بگویم؛ البته همه‌ی این‌ها را به طور مفصل در خاطراتم ذکر کرده‌ام.

حالا که اولین تجربه‌ی جدی عکاسی اجتماعی خود را مربوط به روزهای شکل‌گیری جریان انقلاب در کرمان می‌دانید لطفا در مورد دشواری‌های این تجربه و تلاشی که در این عرصه انجام دادید بیشتر توضیح دهید؟

ببینید؛ من در آن زمان فقط ۲۰ سال داشتم و درابتدای ورود به عکاسی و بلوغ سیاسی بودم، اولین عکسی را که از انقلاب گرفتم، شروع تظاهرات در کرمان بود که آن را در نهایت ترس و دلهره گرفتم. پس از آن، منتظر بودم که هر لحظه در خانه‌مان را بزنند و مرا جلب کنند. جالب این‌که تنها ۲ فریم عکس گرفته بودم، ولی وقتی که خبری نشد دلیر شدم و بقیه‌ی تظاهرات‌ها را هم رفتم.

واقعیت را اگر بخواهم بگویم با توجه به علاقه‌ای که به عکاسی داشتم بیشتر فکر و ذکرم عکس‌هایم بودند و دلهره از گرفتار شدن. در رابطه با عکس‌هایم، با توجه به این‌که تنها در یکی دوتا تظاهرات، عکاس روزنامه کیهان هم حضور داشت، در بقیه‌ی موارد می‌توانم بگویم تنها بودم، مگر چند تظاهرات که من نبودم و یا بعضی دوستان به طور متفرقه عکاسی می‌کردند. در مورد کاری که انجام می‌دادم احساس خاصی داشتم و در اصل جدا از این‌که اذیت نبودم لذت هم می‌بردم ولی چنانچه گفتم تنها دلهره‌ام گرفتار شدن بود که آن‌هم می‌توانم به جرئت بگویم که مامورین شهربانی آن زمان حق بزرگی حداقل به گردن من دارند، چرا که اگر مرا می‌گرفتند، هم می‌توانستند بسیاری از چهره‌ها را شناسایی کنند و هم این‌که جلوی ادامه‌ی عکاسی مرا بگیرند که در این‌صورت کرمان این چنین مجموعه‌ی عکسی را از انقلاب نداشت.

به همین خاطر من وقتی نمایشگاه خودم ازعکس‌های انقلاب را که در موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان با عنوان «من فقط بیست سال داشتم»، برگزار کردم به مأموران شهربانی آن زمان و علی‌الخصوص ماموری که مسئولیت حفاظت از مجسمه‌ی رضاشاه را که در میدان ژاندارمری قرار داشت، تقدیم کردم. علت این مورد خاص هم این بود که روزی که تظاهرات مردم از کنار میدان ژاندارمری می‌گذشت، برای این‌که تظاهرکنندگان و مجسمه را باهم در کادرم داشته باشم به سمت مجسمه رفتم و مامور حفاظت به خیال این‌که با کوکتل مولوتف قصد تخریب دارم به سمت من آمد و به‌جای برخورد فیزیکی با من برخورد کلامی کرد؛ که اگر برخورد فیزیکی می‌کرد، مطمئنا تظاهرکنندگان هم به پشتیبانی از من عکس‌العمل نشان می‌دادند و فاجعه‌ای رخ می‌داد.

به این ترتیب عکس‌های شما بخش مهمی از اسناد تصویری انقلاب در این خطه به شمار می‌آیند. بگویید با این اسناد چه کار کردید؛ منظورم انتشار آن‌ها در قالب کتاب یا پوستر یا نمایشگاه و غیره است؟

سوال بسیار خوبی است، بعد از این‌که انقلاب پیروز شد به غیر از یکی دو مورد عکس‌هایم را هیچ‌جا ارائه ندادم، و جالب این‌که کسی هم پیگیر عکس‌هایم نشد و از آن‌جایی که من نمی‌خواستم از عکس‌هایم در جهت منافع شخصی‌ام استفاده کنم، آن‌ها را که آلبوم کرده بودم در گوشه گنجه‌ام گذاشتم و چنانچه گفتم کارم را به صورت حرفه‌ای و با تخلص عکاس‌باشی و وابسته به روزنامه اطلاعات شروع کردم که البته این کارم بیشتر به خاطر این بود که بتوانم از درآمدی که بدست می‌آورم خرج عکس‌هایم بکنم. البته این به آن معنی نبود که مرحوم پدرم که از بازاریان کرمان بود کمکم نمی‌کرد؛ خیرا ولی من دوست داشتم دستم توی جیب خودم باشد. البته بعد از یک‌سال به صورت مستقل فعالیتم را ادامه دادم. به هرحال بیست سال کسی از این عکس‌ها خبری نداشت و من در تمام این مدت، در رابطه با عکاسی خیلی پیشرفت کرده بودم و در نمایشگاه‌های بسیاری شرکت کرده بودم و جوایزی هم برده بودم و حتی انجمن عکاسان استان کرمان را در سال ۷۴ با دوستان عزیزم، فرهنگ خاتمی و سیدمحمدعلی مهدویان و علی بابا عامری ثانی و فخری عربپور پایه‌ریزی کردیم. من در این انجمن به عنوان رییس حضور داشتم، که بنا به عللی فعالیت‌اش متوقف شد. ولی البته منحل نشد که در این رابطه هم گله‌هایی دارم که به موقع خواهم گفت؛ بگذریم، تا سال ۷۷، هیچ کس خبری از عکس‌هایم نداشت و هروقت هم که حرفی از انقلاب در کرمان بود، از عکس‌های مسجد جامع و چند عکسی که عکاس محترم روزنامه کیهان که آن زمان آقایان یدالله سلطانی و محمدرضا خواجه جوپاری بودند را استفاده می‌کردند.

به هرحال در سال ۷۷، بابک افشار از عزیزان سازمان اسناد ملی، از آن‌ها با خبر شد و خواستار اهدای آن‌ها به سازمان اسناد ملی شد. از آنجایی که من به تمام چیزهایی که می‌خواستم رسیده بودم و یک عکاس شناخته شده بودم که می‌توانم به جرئت بگویم در سطح کشور هم این شناخت وجود داشت، تعداد ۱۲۰ قطعه از آن‌ها را به سازمان اسناد ملی اهداء کردم. پس از آن بود که در سال ۷۹ کتابی از عکس‌های من با عنوان «کرمان و انقلاب اسلامی به روایت تصویر» چاپ شد. البته با وجودی که قرار بود فقط عکس‌های من باشد، ولی این اتفاق نیفتاد و تعداد ۸۰ قطعه از عکس‌هایم در آن کتاب چاپ شد.

از یک جهت خوشحالم که چاپ این کتاب دوسال به طول انجامید، دلیل آن هم این است که در سال ۷۸، به مهمترین خواسته‌ام که تدریس در دانشگاه بود رسیدم. به لطف دکتر عبدالحمید هدایت این اتفاق افتاد و مرا بدون این‌که آن‌ها اطلاعی از عکس‌های انقلاب من داشته باشند به تدریس در دانشکده هنر دانشگاه شهید باهنر کرمان، که بعدا دانشکده هنر و معماری صبا نامیده شد، دعوت کردند.

بگذارید بحث را طولانی نکنم، بعد از آن در هر زمان که دهه‌ی فجر اتفاق می‌افتاد، این عکس‌های من بود که در و دیوار شهر را پر می‌کرد و در تلویزیون به عنوان پس زمینه‌ی مصاحبه‌ها از آن‌ها استفاده می‌شد، البته من انتظار دعوت برای مصاحبه را نداشتم، (چرا که اگر این‌طور بود در طی ۲۰ سال اول انقلاب، این عکس‌ها را ارائه کرده و کلی امتیاز گرفته بودم. حتی در سال ۶۸ که اولین نمایشگاه انفرادی‌ام را در موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان با یک‌صد قطعه عکس در شش زمینه برگزار کردم، یک عکس از انقلاب نگذاشتم)، ولی حداقل انتظار من این بود که نامی از عکاس عکس‌ها و یادی از او می‌شد.

حتی در سی‌امین سال انقلاب در نمایشگاه بزرگی که به عنوان سیمرغ در مصلی کرمان برگزار شد حدود سی قطعه عکس که تماما عکس‌های من بودند را در اندازه‌های خیلی بزرگ چاپ کردند و در فضای وسیعی از نمایشگاه در معرض دید عموم گذاشته بودند، ولی دریغ از گذاشتن نام عکاس دریغ کرده بودند! حال آن‌که اگر من این عکس‌ها را نگرفته بودم کرمان مگر غیر از تعداد اندکی عکس، چیزی برای ارائه داشت؟، به هرحال، بعد از چندین سال که یادم نیست چه سالی بود، طی مراسمی که در تالار عماد کانون هنر برگزار شد، لوح یادبودی به من اهداء کردند و تکرار می‌کنم تنها لوح یادبودی که دادند همین بود. البته از این جهت خوشحالم که من بابت عکس‌هایم هیچ نفع مادی نداشته‌ام.

باری، به غیر از کتاب عکسی که ذکرش رفت، عکس‌هایم در کتاب دیگری به نام «کرمان و انقلاب اسلامی» هم به چاپ رسیدند که خوشبختانه در مقدمه تشکری از من شده است و چنان‌که گفتم در سال ۹۲ هم در یک نمایشگاه انفرادی در موزه هنرهای معاصر صنعتی کرمان، با عنوان، «سیر جنبش در کرمان، من فقط بیست سال داشتم» تعداد ۵۷ قطعه از آن‌ها را به نمایش درآوردم.

و نکته‌ی جالبی که باید بگویم، این است که تلویزیون شبکه کرمان با من انجام شد که نمی‌دانم چقدر از آن پخش شد.

البته بازهم می‌گویم این دلتنگی‌های من بود که خواستم بگویم و خوشحالم که در حال حاضر که این مصاحبه به لطف هفته‌نامه‌ی استقامت چاپ می‌شود. راستاش من چندین سال است که مقیم پایتخت هستم و درنتیجه توقع مصاحبه و مطرح شدن هم ندارم؛ تنها دردلی کردم که هرسال در ایام دهه‌ی فجر به سراغم می‌آید.

آقای طاهری به جز تجربه‌ی عکاس انقلاب بودن که در دوره‌ی جوانی و ابتدای کارتان انجام دادید چه تجربه‌های دیگری را دنبال کرده‌اید؟ مثلا می‌دانم یک کتاب عکس از فعالان حوزه‌ی فرهنگ و هنر استان منتشر کرده‌اید. در این مورد تجربه‌هایتان توضیح دهید؟

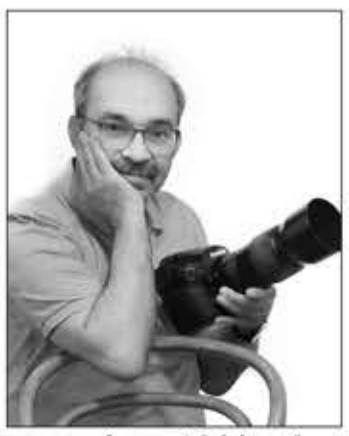

خیلی دوست دارم که راجع به سایر فعالیت‌هایم بگویم ولی در این مجال نمی‌گنجد. با این‌حال، به طور خلاصه می‌گویم که همان‌طور که ذکر کردید آخرین کارم چاپ کتاب ناموران کرمان بود که به لطف دکتر محمدجواد فدایی، استاندار عزیز و استاد سیدمحمدعلی گلابزاده رئیس مرکز کرمان‌شناسی به شکلی نفیس چاپ شد. در این کتاب تعداد یکصد و سی و هشت قطعه عکس از ۶۹ نفر از ناموران کرمان وجود دارد که بین سال‌های ۷۲ تا ۸۵ گرفته شده‌اند و سیزده سال منتظر شدم تا زمان انتشارش فرا برسد، و به نوعی زیرخاکی باشد.

به غیر از این کتاب، من چندین مجموعه دارم که ازسال ۶۵ و ۶۶ شروع کرده‌ام که به نوعی خود آن‌ها تاریخی هستند که ابنیه و سنن و فرهنگ و مراسم سنتی کرمان را در بر می‌گیرند. البته خوشبختانه قبل از مهاجرتم به پایتخت که سال ۹۰ بود، شروع به مستندسازی به صورت فیلمبرداری از مراسمی که در کرمان برگزار می‌شد، کرده‌ام که آن‌ها را به لطف خدا بایستی انجام بدهم.

امیدوارم که خداوند روی عنایتی بکند و فرصت و انرژی آماده کردن آن‌ها را به من بدهد، چراکه مطمئن هستم با توجه به حجم کاری که می‌برند، کسی غیر از خودم نمی‌تواند این مهم را انجام دهد.

با این‌که شنیده‌ام مدتی است به خاطر بیماری و دوره‌ی درمان آن، کمتر به عکاسی می‌پردازید اگر امکان دارد بفرمایید هم‌اکنون در زمینه‌ی عکاسی چه پروژه یا برنامه‌ی خاصی را دنبال می‌کنید؟

متأسفانه الآن حدود یک‌سال است که درگیر بیماری هستم؛ ولی به لطف خداوند متعال الان رو بهبودی هستم و حالم خوب است.

این را هم باید بگویم که مهاجرت من به پایتخت برای ادامه‌ی پروژه‌های عکاسی نبود، بلکه برای بستن پروژه‌های عکاسی بود که سال‌ها درگیر آن‌ها بودم و همان‌طور که گفتم این فقط کار خودم بود. به همین خاطر در تهران به جز کارهایی که در رابطه با حرفه‌ام بود، کار خاصی انجام ندادم، و بیشتر وقتم را روی پروژه‌های مربوط به کرمان گذاشته‌ام.

خوشبختانه چنانچه گفتم اولین کار را که منتشر کردم متاسفانه کمی بعداز آن، درگیر این بیماری شدم و نتوانستم کارخاصی انجام دهم. ولی با لطف خداوند امیدوارم که بتوانم پروژه‌هایم چه فیلم و چه عکس را به اتمام برسانم.

البته نکته‌ای که شاید برایتان جالب باشد، این است که با وجود بیماری‌ام و برای پیدا کردن روحیه و انرژی، اخیرا در دانشگاه بین‌المللی قزوین شروع به تدریس کرده‌ام. و آخرین نکته که شاید کمی هم خود بزرگ‌بینی باشد، این‌که در اسفندماه پارسال گواهی درجه یک هنری که معادل دکترای هنر است، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به من اعطا شد. ببخشید که اگر در آخر از خودم تعریف کردم.

آقای طاهری بخاطر دریافت گواهی درجه یک هنری به شما تبریک می‌گویم، و از این‌که برای این مصاحبه وقت گذاشتید سپاسگزارم.

با دو هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛

مجتمع فرآوری و تولید شمش سرب و روی در کوهبنان احداث می‌شود

گروه اطلاع رسانی - سه کارخانه در قالب یک مجتمع فرآوری و تولید شمش سرب و روی در شهرستان کوهبنان با دو هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی احداث می‌شود.

دو هلدینگ معدنی بزرگ کشور، هلدینگ توسعه سرمایه‌گذاری معادن و فلزات و هلدینگ گروه صنعتی و معدنی زرین در قالب شرکت‌های بورسی زیرمجموعه‌ی خود، شرکت صباتور، شرکت زرین‌معدن آسیا و شرکت کیمیای زنجان‌گستران و سایر شرکت‌های غیربورسی، احداث این مجتمع بزرگ در کوهبنان را رقم خواهند زد.

ایجاد اسکلهٔ تمام مکانیزه برای سنگ‌آهن و فولاد

به گزارش استقامت، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات در جمع خبرنگاران با بیان این‌که کاش اقتصاد ما یک قاسم سلیمانی داشت، گفت: «اگر یک چنین شخصی را در اقتصاد داشتیم الان اقتصاد ما مثل سیستم امنیتی و نظامی کشور از اقتدار ویژه‌ای برخوردار می‌شد».

عزیزالله عصاری در ادامه با بیان این‌که شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات از شرکت‌های برتر بورس است، بیان کرد: «ارزش این شرکت در بازار حدود ۲۶ میلیارد تومان است».

عصاری با اشاره به سرمایه‌گذاری بزرگ شرکت توسعه معادن و فلزات توضیح داد: «این شرکت موفق به راه‌اندازی یک کنسرسیوم اکتشاف شد که این کنسرسیوم برای اولین بار در کشور شکل گرفته و ۱۲ شرکت عضو آن هستند که به شرکت بزرگ اکتشافی «پایا» تبدیل شد».

وی ادامه داد: «این کنسرسیوم می‌تواند حلقه‌ی مفقوده‌ی اکتشاف در بخش‌های معادن را که خیلی کم در این حوزه کار کردیم پوشش دهد».

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات افزود: «در حال حاضر کمبود خوراک مواد برای صنایع خصوصا صنایع فولادسازی ما کاملا روشن است خصوصا اگر به افق ۱۴۰۴ برای ۵۵ میلیون تن بخواهیم برسیم قطعا حدود ۴۰ میلیون تن سنگ‌آهن کم داریم و لذا باید حتما در اکتشاف فعال‌تر می‌شدیم».

وی بیان کرد: «دولت به دلیل مسائلی که دارد و شرایط تحریمی که داریم وضع بودجه‌ی مناسبی ندارد که در بخش‌های عمرانی و در بخش اکتشاف هزینه کند و به همین دلیل کنسرسیوم اکتشاف خیلی برای کشور مفید بود که افتخار تشکیل آن به شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات افتاد و موفق شدیم این کنسرسیوم را تشکیل بدهیم و در حال حاضر نیز سه ماه است که فعالیت آن آغاز شده است».

عصاری یکی دیگر از سرمایه‌گذاری‌های شرکت معادن و فلزات را راه‌اندازی اسکله‌ی تمام مکانیزه اعلام کرد و یادآور شد: «برای صنعت کشور و آینده زیرساخت معیوبی داریم که بهینه نیست و باید روی آن کار و سرمایه‌گذاری شود به جز بحث‌های ریل، جاده و دریا، اسکله یکی از مهم‌ترین کمبودهای ما برای واردات و صادرات است و حتما باید در این قضیه، دولت توسعه‌ی لازم را ببیند».

وی ادامه داد: «برای این کار یک حمل و نقل ترکیبی ایجاد کردیم که از شرکت‌های بزرگ تشکیل شده و ۱۸۰ هکتار زمین از سازمان بنادر جمهوری اسلامی گرفتیم که یک اسکله‌ی تمام مکانیزه برای بحث سنگ‌آهن، فولاد و سایر بخش‌های معدنی ایجاد کنیم».

وی حرکت‌های شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات را فرا ملی دانست و گفت: «با همین نگاه گسترده برای سرمایه‌گذاری در کرمان و آغاز یک حرکت و تحول برای سرب و روی کشور ورود کردیم».

عصاری با بیان این‌که ایران دارای ۹ درصد ذخیره‌ی سرب و روی دنیا است، ادامه داد: «روی این موضوع باید خیلی کار شود که این تحول را می‌خواهیم از کرمان آغاز کنیم».

وی اضافه کرد: «یک پهنه‌ی هزار و ۲۵۰ کیلومتری در راور به صبا نور داده شده و خوشبختانه محدوده‌های امیدبخشی از سرب و روی در بررسی‌های اولیه پیدا کردند».

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات با بیان این‌که کنسرسیوم اکتشاف ۶۵ هزار کیلومتر مربع پهنه را در اختیار گرفته، بیان کرد: «در طبس محدوده‌های سرب و روی پیدا کردند و این کنسرسیوم که از کرمان قرار است کار خود را آغاز کند می‌تواند در سراسر کشور گسترش پیدا کند».

وی خاطرنشان کرد: «در کشور ۶۸ کانی معدنی داریم که خیلی از این کانی‌ها ذخایرش موجود است اما کار اکتشافی روی آن‌انجام نشده و نیاز داریم برای اکتشاف از تکنولوژی پیشرفته استفاده کنیم و از خام‌فروشی جلوگیری شود».

عصاری بر ایجاد صنایع‌پایین دستی در کنار صنایع بزرگ تاکید کرد و گفت: «در نشستی که با استاندار و مدیران استان کرمان داشتیم امیدواری خوبی برای سرمایه‌گذاری در کرمان به ما دادند».

بالاترین خدمت به مردم کوهبنان ایجاد اشتغال است

سالاری، فرماندار کوهبنان نیز در این نشست با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته برای جذب سرمایه‌گذار گفت: «من مسئولیت خود در کوهبنان را ۲۰ روز پس از زلزله آغاز کردم اما در کنار بازسازی، اشتغال، صنعت و استقرار آن در شهرستان را نیز دنبال کردیم».

وی ادامه داد: «در شهریور ۹۷ که بحث مطالعات پهنه‌ی ۱۴ کوهبنان انجام و نهایی شد جلسات مختلفی با شرکت صباتور داشتیم و اعلام کردیم شهرستان در خدمت دوستان است تا هرچه نیاز دارند تسهیل کنیم تا کارانجام شود». سالاری با اشاره به برگزاری جلسات متعدد برای این سرمایه‌گذاری، بیان کرد: «همه‌ی مسئولان استان برای تسهیل سرمایه‌گذاری در شهرستان کوهبنان کمک کردند».

وی یادآور شد: «بالاترین خدمت برای یک شهرستان محروم مانند کوهبنان این است که زمینه‌ی اشتغال برای مردم ایجاد شود».

فرماندار کوهبنان با اشاره به سرمایه‌گذاری دو هزار میلیارد تومانی برای راه‌اندازی کارخانه‌ی کنسانتره و شمش سرب و روی، گفت: «این سرمایه‌گذاری می‌تواند تمام معادن منطقه‌ی کوهبنان، راور و بهاباد یزد را فعال کند».

وی با اشاره به ایجاد اشتغال به دنبال این سرمایه‌گذاری افزود: «راه‌اندازی صنایع جنبی که در آینده در کنار این واحدها مستقر می‌شود می تواند به اشتغال و توسعه‌ی کوهبنان کمک کند». سالاری خاطرنشان کرد: «منابع دولتی محدود است و با توجه به تحریم‌هایی که وجود دارد نیازمند ورود بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری هستیم تا سرمایه برای تولید در کشور فراهم شود و جهت‌گیری کشور نیز همین است».

وی اضافه کرد: «امیدواریم این سرمایه‌گذاری تحولی را در شهرستان کوهبنان که به لحاظ توسعه‌ای مقداری عقب مانده بود ایجاد کند و مشکل اشتغال مردم حل شود».

به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال کمک می‌کنیم

مدیرعامل گروه صنعتی و معدنی زرین‌معدن آسیا با بیان این‌که به دنبال این هستیم تا قطب سوم سرب و روی کشور را در استان کرمان و شهرستان کوهبنان بنا بگذاریم، گفت: «اگر رسانه‌ها به عنوان یار دوازدهم کمک کنند، قطعا چهره‌ی منطقه‌ی محروم کوهبنان تغییر خواهد کرد و در کنار آن صنایع پایین‌دستی خواهد آمد». ابراهیم جمیلی بیان کرد: «این‌طور نیست که همه‌ی صنایع را ما سرمایه‌گذاری کنیم اما بسیاری از سرمایه‌گذاران زمانی که ببینند شرکت‌های خوب بورسی در کرمان فعال شده‌اند برای ورود به این منطقه و سرمایه‌گذاری اقدام خواهند کرد».

ادامه در صفحه بعد